

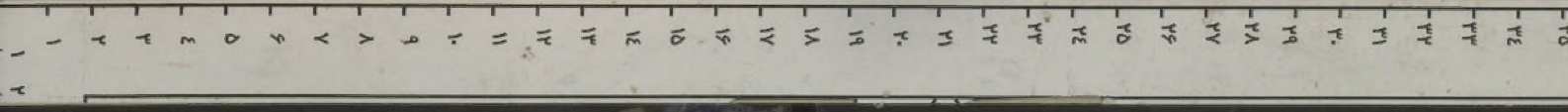
کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۸۴۵

۱۸۵
۷-۵

عبدالله
نامتو کتب و اوراق



۱۱۵
۷-۵

عبدالغفار
نامتو کتب فراغت

۱
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

بر سایر ائمه ربه رجحان و با تفصیل داد دولت اسلام را مانع غلبت
 و دولت اسلام را قاهر و دول خواست و چون قلم و قلم و قلم حاصل
 قدرت نام به واسطه اجتماع ارا و اتفاق اهل دولت نهاد و دارای
 خطه نبوت را با اجرای صیغه اخوت بین صحابه پیش و ارباب کیش
 تکلف داشت و بر هر فرد از افراد مسلم لازم افتاد که از جهت جانین
 با انبای زبان و کلام و اقوال خود مهر برادر می و زرد و طریجان می گیرند
 اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ وَلَنَأْتِيَنَّ رَسُولُ اللَّهِ اَشَقُّ
 نواب همانون نیر که درین عهد بخت انکه تفصیل و عون خدا و مد عزیز
 بِالْأَزْثِ وَالْاَلْكَتَابِ وَالْعَدْلِ وَالْاِحْتِسَابِ
 دست قدرت بر ممالک و عجم ثا و دوم و پای شوکت بر تخت کسوفی هم نهاد

با حضرت علی بن ابی طالب و ائمه مجاهدان و مروج دین و
 ناری موبدخت میباشند معظمه منظم امر علی ذات کلی نصرت
 سلطان البحرین و خاقان البربرین خادم بحرین شیرین
 و امت شوکت و علت تمه که صدو صمیم گفتو گویم بود عهد
 اخوت بخیر و سعادت هم و بدین واسطه پشت دشمنان دین و
 جمیع مخالفین را درهم شکست یک چند ابواب جهنم و الفت از هر
 دو حضرت باز بود و دیار اسلام و ایمان بفرید امن و امان مخصوص
 و ممتاز یکچند نیز اساس ایلاف و یتاس را از چشم
 زخم زمان زباین رسیده و بر حسب اتفاق در حد و ملکین
 غایبه اتفاق پدید آمدن توابع همایون با حرب و نزاع

با جناب محبت نصاب محمد امین زوف پاشا سر عسکر
 جانب شرق در کارنامه مکالمه نموده تاریخ نوزدهم
 ذی قعدة الحرام در مسیر ارزنده از روم تباری
 دادند و فصولی نوشتند که چون پتھر مبارک و خط
 همایون خسر و ان حکم قالب پی روان داشت
 و محل اعتماد و موقع استاد نمی یافت حصول
 معوده و فصول معهوده را بطریق زی که ذیل
 این کتاب مرقوم و بنجامت مطالب مخموم است
 از روی کمال میل و رضا بقبول و امضا مقرر
 داشتیم و تفصیل اساس و شروط و موافقین و موافقین است



مبنای این معاهده مبارک که رعد و قدیمه و غنود سابقه است تاریخ
 هزار و صد و پنجاه و نه هجری موافق عیدنامه تجدید عهد و الفت شده
 و درین تاریخ که هزار و دویست و سی و نه است مایه شروط
 موافقت میشود و مواد مقبوله مسلمه پادشاهان در دولت
 ابدیت باقی و مرغی معتبر است و اعم از امر حجاج و زوار
 و خواص و تجار و اطلاق اسرار و ارسال سفرا و اقامت و کلا
 و رد فراری و ماده ضمیمه و غیر ذلک و همام الوجوه
 خلای عارض اکان آن نیست و بعون الله تعالی سوار و شیر الط
 دوستی و ولاهتین دین علین و ایرود کار و باقی و برقرار خواهد بود

اول از حال تحریر که عاشر شهر ربیع الثانی و اول امضای معاہدت
سلطانی است **ح**م خلاف از سر دو طرف در خلاف با و امری
که معنی و صورت موهم بود و کدورت شود عیال و علمای اربع
جانب ظاهر و باہر شود **ثانی** قلاع و اراضی و قصبات
و قرا کہ سابقا داخل حدود قدیمه بودند و سرحد داران
دولتین بر خلاف حق تصرف نموده باشند اسی وقت
کان و اسی وجه کان با وقت ورود سفرای حضراتین پایہ
تخت دولتین تمام و کمال بیات حال رد شود **ثالث** اطلاق
اسرا بروفق شریعت تحریر نگیم و احتیاج واجب است



و اما سرحد محکمات رعایت آنست در باب حوراک و پوشاک و منزل دولتی

ما و اولیه چون هیچ دولتی را در امور داخل دولتی دیگر مدخل
جایز نیست **اولیای** دولتین را لازم است کہ من بعد از طرف
بنداد و توجهات سخافات گردان و سرحدات اقلین
و جہا من الوجوه و بنا من الاسباب دخل و تصرف در امور یکدیگر
نکرده دست تعرض و پای تجاوز نکند و کشیدہ دارد و متصرفین
ولایات جہا من را سابقا کان ام لاحقا اربع طرف متصل کنند
و هر وقت برای رسوم عادیہ و وجوہ یلاقہ و شاقہ و یاقہ
و عادی افاقہ کشکونی ما بین سرحد داران بہر سد

و بعد دولت قاهره ایرانیه نایب سلطه العلیه العالمیه با وزیر
مخبره نموده بامری که خلاف عادت معمول دمایه نزاع دود
بد مشمول باشد تجویز نمایند و وقوع نیاید **ما و الله** چنان اقرار و اعلام
حجاج پنا الله احرارم است در که متدینه عظمه و مدینه منوره مطهره
و مضرب و شام و سایر بلاد اسلام با اهل مملکت ایران مثل اهل مالک
العثمان بی توفیر و تمیز بالمجاهد معامله کنند و دود رسته و باج ارطافیه
حاج نخواهند و امرای حاج و وزیرای عظام و میر میرانهای کرام
و سایر ضابطان و حکام موافق شروط قدیمه در منازل و مراصل و دایما
ایما با رعایت حمایت اهل ایرانرا منظور دارند و امنای صره
تامیون بخصوصه ناظر و مراقب باشند که از شام الی حرمین و از حرمین



الی شام خلاف این شرایط نسبت بمعاشرا انجام نشود و هر جارائی
اشاق افتد بظارت امنای صره و معرف معتمدی که در میان حاج
ایران خواهد بود قطع و فصل یابد و هر یک از حجاج بیست و نه روز
عقبات عالیات که مال التجاره در دست داشته باشند مطالبه باج
و لکرک از آنها شود و هر یک داشته باشد بزیادتی بکین واقع گردد
و هرگاه کسی از افاضل سلطان و اعالی ایران قصد حج و عزم بکین
از جانب دولت علیه عثمانیه اعرار و اکرانی که شایسته زنی و خوار
حال اوست بجل آید **ما و الله** عشار سیکلی و حیدرآلو که بیشتر
نزاع و جدال آن دود دولت پیر و ال بواسطه آنها بود و امر و پیر
آنها در خاک متعلقه بدولت علیه عثمانی هستند ما در اینجا اقامت دارند

باید خسارتی از آنها بطرف نرسد و اگر برسد اولیای اندوخت
 منع و تجدید کنند و اگر منع پذیر نشود دست از صاحب آنها بردارند
 و از تاریخ این معاهده مبارکه من بعد هر وقت این دو طایفه کلا و بعضا
 با طوع و الرضا عزم مراجعت بولایات ایران نمایند از دولت غایت
 هیچ وجه مزاحمت و مانع نشود و بعد از آنکه شاکس بطرف داخل شده
 اگر خواهند که باز با طرف راجع شوند از آن دولت قبول کنند
 و را دهند و اصلا و قطعا صاحب نمایند و در حال اقامت بحدود
 هر خسارتی با طرف رسانند اولیای اندوخت و بحال وقت بحر
 و منع کنند و دست اقدار آنها را از ارتکاب اعمال ناسازگار
ما و راجع تصاحب فراری از دو جانب موقوف باشد



خصوصا از عشار اگر ادو که زیاد و مشافقه و دند و باید فراری
 آنها را از هیچ طرف را دهند **ما و خامه** اموال و ارباب کبه
 و تجار ممالک ایران که در دست سلطه اسلامبول و مدینه از شره الزام
 و سایر بلا و محظوظ و موقوف است مواثیث و مشروط و مشرع
 انور بکستخوار همچنان دولت قاهره ایران بی کسر نقصان تسلیم
 صاحبان شود و سواهی اموال محظوظ و موقوف اموال و اربابی که بعضی
 از وزیران و ضابطان و غیره هنگام وقوع خصومت بین پادشاهان ارتجار
 و حجاج و عابریین پیل ایرانی جبر گرفته و نصب و تعدی ضبط
 نموده اند هر چه صاحبان اموال یا و کلامی آنها تعیین کنند
 و تسلیم دهند در هر محل که باشد بعد اثبوت الشرعی حکم و فرمان

دولت رد تسلیم شود و من بعد حکم اتحاد و دولت علی
وجه جامعه اسلامی اولیا محضین را مالی ملکین اعظم را با برادر
و ساکن یک سر یک سان معامله و ملوک نموده در بلاد و منازل
و طرق و شوارع از هر نوع ایداد و اضمار و هر گونه خجاست
و ماصواب محفوظ و مضمون و مرفقه و مامون باشد و در باب کمرک
مال التجاره اگر صد چهار مطالبه شود باید در تشخیص قصب زیاده
روی نشود و اما آخر ملک ایران سماع هیچ جا هیچ خبر هیچ اسم و
رسم نگیرند و دیگر معامله هیچ خبر خلاف شرع منحصر یک شخص باشد
و هر کس هر ماعی دارد موافق حکم خدا محاربه و شمشیر باشد
ماده سادوسه در محاکم طرفین را مالی ملکین هر کس ممنوع شود



اگر وارث و وکیل و وصی شرعی حاضرند آتش نه شده و این معنی
هم از آن دولت ظاهر نباشد مامورین الملک ترک همان ممنوعی را
بمعرف شرع و فکر کرده ثبت سجل شرعی نشانی و آن مال را پسند
در محل مامورین یکسال حفظ نمایند و بدولت اعلام و جاگیر کنند
تا وارث یا وصی وکیل شرعی بیاید و بموجب ثبت سجل شرعیه اشیا
مسترد که تسلیم او شود و رسوم عادی و کرایه محل آن اشیا با او شود
و آن اشیا اگر در مدت کوره حریق شود یا بوجهی که منافی شرع نباشد
کرد و ادعای آنرا ننماید کرد و اگر در مدت یکسال وارث وکیل وصی
نرسد مامورین الملک ترک محفوظه را با اطلاع معتمد دولت علیه ایران فروخته
شمن آنرا حفظ نمایند و بعد از تسلیم قبض بگیرند **ماده سابعه** برای مریدان

حضرتین و اجرای شش و طین الد و لیتین حیرت کاه
مستحق تعین شود و نوعی در آستانه و دولتها افت
ورز و که در سلاک تبعه همان دولت محسوب گردد و در این کی یکی

با و اش این نعمت که حق سبحانه و تعالی بزرگوار کلمه
اهل اسلام را مستحق ساخت و خصوصیت مخصوصیت مبدل کرد
جسم ایم و معاصی هر جسم و معاصی که بواسطه این معاصی
اشاقیه در آستانه و دولتهای علیه به ثبوت رسیده باشد
باید بختی که بماند و صغیر لو کانه مفرون شود و بهیچ وجه
در صد و معاصیه و مواخذه بر نیاید و هر چه در زمان عداوت

بین الملکین از مقوله ضایعات و منہیات و مصارف چه باشد
باید با غرض خسر و اینه بگذرد و او عالی دین مواد از هر طرف
نشود مضی مضی باشد باید که نوبت صلح و دوستی غایت بشود
نوعی از آنچه در حکایت من الیوم تعاملنا و نظوی چری
فلا کان ولا صادر ولا فلت ولا قلنا والسلام خیرنا

فصل در بیان معاصی که در اسلام است و در بیان معاصی که در اسلام است
بسیاری از معاصی که در اسلام است و در بیان معاصی که در اسلام است
در بیان معاصی که در اسلام است و در بیان معاصی که در اسلام است
در بیان معاصی که در اسلام است و در بیان معاصی که در اسلام است

32 1
5 5 5 5

بی ادبیکه خط از دستش در دودم از دودم منزه باد این قسم تمام کتابت شد
و ای جنب از آنکه در جنب شیران کند که نظیر حجت و در این کتاب



